

احمد وکيلي
Ahmad Vakili



مجموعه حاضر برگرفته از گوشه ایست به نام جامه دران که در آواز ترک، اصفهان و ... نواخته می شود. همانطور که مستحضر هستید موسیقی ایران زمین، متشکل از هفت دستگاه و پنج آواز است که هر کدام حال و هوای خاص خود را دارند. از این رو، هنرمند موزیسین برای تغییر این حال و هوا با تسلط به دستگاه ها و براساس بداهه، گاهی فضا را تغییر داده و از دستگاهی به دستگاه دیگر نقل مکان می کند.

برای اینکه سکنه ای در این جابه جایی حس نشود گوشه هایی هستند که پلی را ایجاد می کنند تا شنونده به آهستگی وارد فضای بعدی شود. جامه دران از آن جمله گوشه هاست و به قول اهالی موسیقی گوشه ایست سیال.

از آنجایی که علاقه ی وافری به موسیقی اصیل ایران داشته و دارم، این مجموعه را با در نظر گرفتن خصلت ذاتی جامه دران کار کرده و تلاش داشته ام علاوه بر گسترش سیال بودن در خود اثر، با قرار دادن آثار کنار هم نیز به این مهم دست یابم.

سیال بودن مفهومی است که در فضایی بصری دو کنتراست را به نرمی با هم آشتی می دهد و هنرمند بسته به دانش خود و زیرو بم عناصر بصری می تواند هزاران نوع از آن را تجربه کند.

اساطیر یا کهن الگوها، همیشه مضمون کلی آثار من بوده و هست؛ در نتیجه خصلت سیال بودن - چه در رنگ و چه در فرم و یا چرخشی در آنها - هدف من در این مجموعه بوده و برای آن تلاش کرده ام.

همه ی آثار این نمایشگاه روی کاغذ و مقوا انجام شده است. کاغذ و مقوا از صمیمی ترین ابزار است که هنرمند می تواند در اختیار داشته باشد و هر آنجا که احساس نیاز کرد دسترسی به آن بسیار آسان است. در نتیجه بیشتر هنرمندانی که من می شناسم شروع کار را از مقوا یا کاغذ آغاز کرده اند.

احمد وکیلی

The current collection, is inspired by a «Gushe» by the name of «Jamehdaraan» which is played in turk,Isfahan and other «Avaz». As you may know, Iranian music is made of seven «Dastgahs» and five «Avaz», each of which carry a certain tone and feeling. Therefore, in order for a musician to change this feeling, they must improvise with a certain level of masterful-ness and change from one Dastgah to another.

In order to avoid a sudden and unpleasant sense of change, there are «Gushe» s that act as a bridge to transfer the listener smoothly from one world to another. Jamehdaraan is one of those Gushes and as musicians say it is a fluid one.

I've always had a deep love for traditional Iranian music and always will, so I've worked on this collection while considering the essential qualities of Jamehdaraan and I've tried to achieve and expand that sense and feeling of fluidity, both in each work individually and in all works as a series that's being considered together and next to each other.

Fluidity is a concept that can softly befriend two contrasts in a visual space. And an artist, depending on his or her knowledge and the ups and downs of visual elements, can experience thousands of different versions of this.

Ancient mythologies have always been and will be the general subject of my works, and so the quality of fluidity, whether in color, form, or a combination of both, has been my aim for this collection and what I've worked towards.

Ahmad Vakili



Untitled No.1 | Mixed Media on Cardboard | 33 x 48 cm



Untitled No. 2 | Mixed Media on CardBoard | 33 x 48 cm



Untitled No. 3 | Mixed Media on CardBoard | 33 x 48 cm



Untitled No. 4 | Mixed Media on CardBoard | 33 x 48 cm



Untitled No. 5 | Mixed Media on CardBoard | 32 x 47 cm



Untitled No. 6 | Mixed Media on CardBoard | 33 x 48 cm



Untitled No. 7 | Mixed Media on CardBoard | 33 x 48 cm



Untitled No. 8 | Mixed Media on CardBoard | 33 x 48 cm

آیا تا به حال احمد وکیلی را از نزدیک دیده اید؟ اگر ندیده اید نگران نباشید، حتما او را ملاقات خواهید کرد. صابون او به تن همه خورده است. شما هم اگر نقاشی می کنید یا درباره نقاشی می نویسید، مطمئن باشید روزی با او روبه رو خواهید شد. او از معدود شخصیت های هنری است که هر کسی دستی در طراحی و نقاشی دارد، باید روزی تکلیفش را با او روشن کند. شاید هنرمندانی وجود داشته باشند که مجبور نباشید درباره شان تصمیم بگیرید، شاید فکر نکردن درباره برخی از هنرمندان، چندان به کارتان لطمه نزند، اما درباره وکیلی و نقش او در نقاشی و طراحی ایران، نمی توانید بی تفاوت باشید. شما چه در میان هواداران پرشمارش باشید، و یا در شمار خیل منتقدینش، نمی توانید درباره احمد وکیلی بی نظر باشید و کسی با چنین ویژگی نمی تواند شخصیت مهمی نباشد. احمد وکیلی یک شخصیت مهم در نقاشی ایران است.

من از دوران دانشجویی با وکیلی آشنا شدم. با او به دهها سفر رفتیم و در آن سفرها لحظاتی که خالی از صحبت و بحث درباره نقاشی باشد، بسیار محدود بود. و من به اعتبار همین همنشینی ها معتقدم که او، زمانی که درباره «رنگ» یا «طراحی» در نقاشی حرف می زند، نظراتش مبتنی بر تجربه ای عمیق و طولانی است. و این بسیار مهم است. مهم است که او در زمانه ای که می توانی با خواندن چند کتاب، فلسفه سوز شوی و نقاشی و طراحی را رها کنی، از زبان تصویر سخن می گوید. او وقتی روبه روی آثار شما قرار می گیرد، از شیوه طراحی و عمق رنگ در آثارتان حرف می زند؛ از نقش و تأثیر «خط» در بیان احساس و مفاهیم؛ و از تأثیر رنگ در بروز جوهره اشیا و درک هنرمندانه از چیستی آنها. مگر شما چند نفر را دیده اید که در مقابل اثرتان از عناصر بصری آن حرف بزنند. آن تعدادی را که من دیده ام از پنج نفر تجاوز نمی کنند، و احمد وکیلی یکی از آنهاست.

چنین شخصیتی نمی تواند آدم مهمی نباشد. البته احمد وکیلی فقط سخن نمی گوید. او طراحی و ویژگی هایش را ترویج هم می کند. دهها و صدها نفر از شاگردانش دیدگاه او را در همه جای ایران پراکنده می کنند؛ و دهها و صدها نفر نیز اندیشه اش را به چالش می کشند و به راه خود می روند. این اما از اهمیت وکیلی نمی کاهد؛ چون همه آنانی که به راه خود رفته اند، روی شانه های وکیلی ایستاده اند؛ و کسی که بسیاری کسان روی شانه هایش ایستاده اند، نمی تواند شخصیت مهمی نباشد. البته او فقط ترویج نمی کند. تهییج کردن نیز از وظایف قصورناپذیر اوست. او می تواند هر محیط ایستای تجسمی را به فضایی پویا و هر محفل دوستانه تجسمی را به باروت نقد مجهز کند. مگر کسی که واجد چنین ویژگی برجسته ای است می تواند شخصیت مهمی نباشد. اگر شما تابه حال با احمد وکیلی روبه رو نشده اید، نگران نباشید؛ او یکی از همین روزها، درست وقتی اصلا انتظارش را ندارید، پیدایش خواهد شد، روبه روی اثرتان خواهد ایستاد و بعد حرف هایش را با صراحتی دور از انتظار به شما خواهد زد. و شما ... و شما پس از گنگی مختصر ناشی از این رویارویی درباره حرف هایش بسیار خواهید اندیشید؛ چون شخصیت مهمی به نام احمد وکیلی ذهن شما را به چالش کشیده است.

کریم نصر

(مجله تندیس / شماره ۲۳۵)

Have you ever met Ahmad Vakili up close?

If you haven't yet, not to worry, you'll get to. Everyone has somehow rubbed shoulders with him and if you paint, or write about painting, you can be certain that one day you will be face to face with him.

He's one of the few people in Arts whom everyone who has a hand in drawing or painting will one day have to sort out their deal with him.

Maybe there are some artists that you will never have to make a decision on, maybe not thinking about some artists will not affect you or your artistic work, but you can never be indifferent about Ahmad Vakili and his influence on Iranian painting and drawing. whether you're one of his many fans or part of his critics, you simply just cannot not have an opinion about Ahmad vakili, and someone that has this quality has to be someone of important and of value.

I became acquainted with Vakili in my university years. I went to tens of journeys and there were barely any moments that the topic of conversation was not painting. and it's based on these companionships that I believe when he talks about «color» or «drawing», his opinion is based on years and years of experience and deep understanding of the topic. And this is of great importance.

It's important that he -in a time where one can, by reading a couple of books, be overstimulated by the philosophy and completely leave painting to the side- talks about a visual language.

If you've never been face to face with Ahmad Vakili, do not worry, one of these days, when you least expect it, he will show up and stand in front of your artwork, and speak with an unexpected bluntness. And after the short moment of confusion caused by this confrontation, you'll think long and hard about what he had to say, because an important character called Ahmad Vakili has challenged your mind

Karim Nasr
(Tandis Magazine)



Untitled No. 9 | Mixed Media on CardBoard | 33 x 48 cm



Untitled No. 10 | Mixed Media on CardBoard | 48 x 57 cm



Untitled No. 11 | Mixed Media on CardBoard | 32 x 47 cm



Untitled No. 12 | Mixed Media on CardBoard | 32 x 47 cm



Untitled No. 13 | Mixed Media on CardBoard | 33 x 48 cm



Untitled No. 14 | Mixed Media on CardBoard | 33 x 48 cm



Untitled No. 15 | Mixed Media on CardBoard | 33 x 48 cm



Untitled No. 16 | Mixed Media on CardBoard | 33 x 48 cm



Untitled No. 17 | Mixed Media on CardBoard | 33 x 48 cm



Untitled No. 18 | Mixed Media on CardBoard | 32 x 47 cm

هنر، محصول بی تابی انسان در لحظاتی است که شعور نبوت براو پرتوافکنده است. «اخوان ثالث»

نقاشان به یمن شور، اشتیاق، بی تابی، رنج و صد البته صداقتشان در انجام کاری که به آن شهره اند، در اذهان مخاطبان می مانند. اینکه در کوران روزگار بمانند یا نه بر عهده ی داوری بی ملاحظه ی زمان است. قصدم این نیست که احمد وکیلی را بزرگ جلوه دهم و از او شخصیتی تاثیرگذار ارائه کنم. اساسا نیازی به این کار نیست. احمد وکیلی را فارغ از چگونگی آثارش، تحت هیچ عنوان نمی توان در نقاشی ایران ندید. هنرمندان را اغلب آثارشان بزرگ و با اهمیت جلوه می دهند، نه گفتار و نوشتار دیگران. وکیلی در ابتدای دهه ی هفتم زندگی اش، به سان یک دانشجوی تشنه، به طبیعت می رود و با اصرار بی شبهه اش ترجیح می دهد بدون واسطه با آن رو در رو شود. به کارگاه برمی گردد و با پافشاری استادانه اش این بی واسطه‌گی را نفی می کند. با این همه ایمانش به کاری که انجام می دهد چنان است که به اتفاق های روزمره و گذرای اطرافش در حوزه هنر واقعی نمی نهد. در این میان چیزی که برایش مهم است رنگ است و تعداد بی شمار بوم و قلم مو و روغن و نفت و پارچه کهنه و سیگار بهمن کوچکش تا از نابسامانی زمانه به سلامت عبور کند. هنرمگر چیست جز از ته دل خواندن شور و شوق و بی تابی و رنج و اندوهت به شکل آوازی در گوش دیگران تا از شنیدن آن لذت ببرند و فراموش کنند که منشاء این آواز کجا بوده است.

رضوان صادق زاده / شهریور ۱۴۰۰

Art, is the result of human restless-ness in moments when the rays of enlightenment have shined upon one. «Akhavan Sales»

Artists stay in the minds of their viewers, all because of their passion, relentless-ness, suffering and honesty in what they've been known to do. Whether they're stuck in the hailstorms of life or not, is up to time's inconsiderate judgement.

My aim isn't to make Ahmad Vakili appear big or to present him as a very influencing character. All things considered, there's really no reason for doing that. Ahmad Vakili, even despite his artworks, can't be ignored while observing Iranian painting. Usually it's an artist's work that will present them greatly, not other people's words.

Vakili, while beginning his 7th decade of life, as if he's a fresh pupil, goes directly into nature and with his unique resistance Prefers to face it without a proxy.

He will go back to his studio and with a masterful persistence he denies this proxy. With all of his faith in what he does it becomes so that he doesn't get so involved in daily passings and occurrences around him.

In between all this, what's important for him is color and an uncountable number of canvas and paintbrushes and oil, dirty rags and his cigarettes to pass the turbulence of life in good health.

Because what is Art, other than a song sang from deep inside with passion and restlessness and pain and suffering, into others ears so that they take joy from it and forget where the source of this song was from.

Rezvan Sadeqzadeh / September 2021



Untitled No. 19 | Mixed Media on CardBoard | 32 x 47 cm



Untitled No. 20 | Mixed Media on CardBoard | 33 x 48 cm



Untitled No. 21 | Mixed Media on CardBoard | 32 x 47 cm



Untitled No. 22 | Mixed Media on CardBoard | 45 x 52 cm



Untitled No. 23 | Mixed Media on CardBoard | 33 x 48 cm



Untitled No. 24 | Mixed Media on CardBoard | 33 x 48 cm



Untitled No. 25 | Mixed Media on CardBoard | 33 x 48 cm



Untitled No. 26 | Mixed Media on CardBoard | 33 x 48 cm



Untitled No. 27 | Mixed Media on CardBoard | 33 x 48 cm



Untitled No. 28 | Mixed Media on CardBoard | 33 x 48 cm



Untitled No. 29 | Mixed Media on CardBoard | 30 x 44 cm



Untitled No. 30 | Mixed Media on CardBoard | 30 x 44 cm



Untitled No. 31 | Mixed Media on CardBoard | 30 x 44 cm



Untitled No. 32 | Mixed Media on CardBoard | 24 x 34 cm



Untitled No. 33 | Mixed Media on CardBoard | 33 x 48 cm



Untitled No. 34 | Mixed Media on CardBoard | 33 x 48 cm



Untitled No. 35 | Mixed Media on CardBoard | 33 x 48 cm



Untitled No. 36 | Mixed Media on CardBoard | 33 x 48 cm



Untitled No. 37 | Mixed Media on CardBoard | 33 x 48 cm



Untitled No. 38 | Mixed Media on CardBoard | 32 x 47 cm



Untitled No. 39 | Mixed Media on CardBoard | 33 x 48 cm



Untitled No. 40 | Mixed Media on CardBoard | 30 x 44 cm



Untitled No. 41 | Mixed Media on CardBoard | 33 x 48 cm



Untitled No. 42 | Mixed Media on CardBoard | 33 x 48 cm



Untitled No. 43 | Mixed Media on CardBoard | 33 x 48 cm



Untitled No. 44 | Mixed Media on CardBoard | 33 x 48 cm



Untitled No. 45 | Mixed Media on CardBoard | 32 x 47 cm



Untitled No. 46 | Mixed Media on CardBoard | 33 x 48 cm



Untitled No. 47 | Mixed Media on CardBoard | 32 x 47 cm



Untitled No. 48 | Mixed Media on CardBoard | 47 x 57 cm



Untitled No. 49 | Mixed Media on CardBoard | 48 x 68 cm



Untitled No. 50 | Mixed Media on CardBoard | 47 x 57 cm

این نوشته از روی صدق و صفاست، فرصتی است برای تشکر و قدر دانی یک شاگرد از معلمش؛ راستش آرام آرام دارد دوزاریم می افتد که آهسته آهسته بدون اینکه متوجه باشیم ما را به کدام سو کشانید، دستتان درد نکند. من وامدار شما هستم. حالا که معلمی میکنم به روشنی دریافته ام که ما کمتر به یاد می آوریم که معلم به ما چه آموخته است، اما اینکه کسی مسیر زندگی تو را تغییر داده باشد چیزی نیست که بشود آن را به دست فراموشی سپرد.

این مکتوب مجال آن ندارد که همه آنچه از شما آموخته ام را بیان کنم و برآستی کدام بار بوده که شما را ببینم و چیزی نیاموخته باشم. نگذاشتید افراط کنیم، یادمان دادید حکم صادر نکنیم، حد خودمان را بدانیم، نه آنقدر خودسر و کله شق باشیم و نه آنقدر ترسو و مطیع. یادمان دادید هدف دور و دراز داشته باشیم، هدف نزدیک نخواهیم که زود سری در سرها در بیاوریم.

تاب سه پایه داشته باشیم، به ما یاد دادید گمشده مان به وقت کار پیدا می شود و تا چیزی پدید نیاید چیزی به آن علاوه نمیشود. طراحی ما با نظم و تداوم رابطه دارد. نگاه کردن را به ما آموختید، بهتر بگویم اینکه بتوانیم بنشینیم، بنشینیم و نگاه کنیم. سعی کنیم همانطور که میبینیم بکشیم. کار ما باید نشانی واضح از ما بدهد. تصویر ما نباید زیستمان و نیروی طبیعت را از یاد ببرد و از تکرار و خنکای این شعر جامی خسته نمی شدید:

به طراحی چو فکر آغاز کردی / هزاران طرح زیبا ساز کردی / به سنگ از صورت مرغی کشیدی / سبک سنگ گران از جا پریدی
یادمان دادید توامانی فرم و محتوا دویال این پرنده هستند و در خصوص فرم باید عادت کنیم تا فرم، طبیعت و ذائقه ی ما شود و اگر اینطور شد مزه ی کار خود و دیگران را میفهمیم. عنقریب بود که این سرا و گذشته مان را به یاد فنا بسپاریم که به دادمان رسیدید و یادمان دادید که اگر به گذشته مان یک تیر پرتاب کنیم آینده ما را به توپ می بندد. ما از شهرستان آمده بودیم یا بهتر است بگویم از آنجا فرار کرده بودیم اما برای شما مهم بود ما از کجا آمده ایم، می گفتید آنچه ما می خواهیم از گذشته مان در ما نطفه بسته است و آن در جلب پسند دیگران نیست.

با ما به شهرهایمان سفر میکردید و هر آنچه برایمان به غایت عادی بود را به نگاه حیرت می نگریستید. اینها تعارفات معمول و آب و تاب دادن متن نیست، راستش توضیح دادنش برایم کمی سخت است اما شما اینگونه طراحی را آموزش میدادید. می گفتید «طراحی، زاده ی زندگی و شخصیتی است که در زمان و مکان خودش زاده شده».

برای ما باید زمان می سوخت تا دریابیم همه چیزمان به طراحی ربط دارد. حقیقتا طراحی بهانه بود، قرار بود زندگیمان زیر و رو شود. ما با شما پا به جهان تصویر نهادیم و یادمان دادید جهانمان مال خودمان باشد ولی آنقدر خود شیفته و خود پسند نباشیم که جز خود را نبینیم.

بچه های سرتق و از خود راضی را عاشق بوی بزرگ کرده بودید، آه در بساط نداشتیم، طبقه های یخچال هایمان خالی بود و جعبه رنگهایمان پر رونق و مرتب به دوشمان. بی معاش چشم و نیشمان باز شده بود.

در همه این سال ها حوصله کرده اید، سخاوتمندانه بخشیده اید، هر آنچه به زور کار و خلوت یافتید به ما هم خوراندید اما عقیده تان را به ما تحمیل نکردید و به ما گوشزد کردید رابطه خود و جهانمان را گم نکنیم.

در استودیو نشسته ام در صفحه موبایلم تصویر شما را می بینم با جعبه رنگ مورد علاقه تان در طبیعت. گوشه چشمی پالت را می پایم. دلم گرما میگرد، مطمئن میشوم حالتان خوب است.

می رنجم از خودم و این ایام کرخت. خاطره ای از ذهنم عبور میکند؛

وقتی مشغول نقاشی از آن منظره زیبای جنگل بودید، گیاهی را نشانم دادید. به من گفتید:

«این گیاه را نگاه کن. نامش عشقه است. وقتی به جان درخت می افتد آنقدر ادامه میدهد تا درخت را بخشکاند!»

دلم به حضور و وجود شما گرم و خوش است. سلامت بمانید. لب تان خندان باشد. صدای قهقهه بعد از کارتتان به گوشم برسد. من مهر شما را بسیار در دل دارم. تولد شصت سالگیتان مبارک ما باشد.

علی بهشتی / شهریور ۱۴۰۰

نامه به هنرمند جوان

اول سلام بعد دوام

طراحی ها و کارهایت را دیدم و با تمام وجود به خود بالیدم که در کشورم چنین عزیزانی همچنان عاشق هستند و قلم می زنند و عاشقی می کنند. دلم میخواهد خاطره ای را برایت بنویسم. سال ۱۳۵۸ استاد عزیزم هانیبال الخاص جمله ای را به من گفت که من هزاران بار آن را به شاگردانم گوشزد کرده ام: اول سلام بعد دوام. عزیزتر از جانم، پا به عرصه ی راهی گذاشته ای که عشق و بی قراری، بالاترین پاداش تو خواهد بود. لحظه لحظه خلایقیت را تجربه می کنی و آن لحظه را با هیچ پاداش مادی عوض نمیکنی. درعرش هستی و اوج لذت. گاهی هم آن لحظه فراهم نمی شود. باید بدانی که لحظه ی خلایقیت، چیزی نیست که دائم میسر باشد. برای آنکه دوباره تجربه اش کنی دوباره و دوباره و دوباره بی قرار باید باشی و عاشق، به مولانا پناه ببری که می گوید: عشق از اول سرکش و خونی بود / تاگریزد آنکه بیرونی بود من هنر را این گونه آموختم، تحمل ناملاپمات، درسی است که هم پای هنر باید بیاموزی و بدانی که برای آن که عاشق باشی بهایی را پرداخت میکنی به عظمت عاشقی

همکار جوان!

کار و کار و کار، بزرگ ترین پیشنهاد من به شماست. آگاهی، شرط اول در این راه دشوار است و از تو هنرمند ایرانی خواهد ساخت که جهان به تورشک بورزد.
به امید آن روز / احمد وکیلی

A letter to young artist

First hello then persistence

I saw your drawings and works. And with my whole being I felt proud that in my country there are such people in love. drawing, and being in love.

I want to write you a memory. The year 1979 my dear mentor Hannibal Alkhas spoke a sentence to me , which since then I've repeated thousands of times to my students: First hello then persistence.

My dearest than life,

You've stepped in a world where love and relentless-ness will be your biggest rewards. Each moment you experience creativity and you wouldn't change that moment for any material prize. You're in the seventh sky at the very top of joyfulness and sometimes that moment may not be there.

You must know that the moment of creativity, I not something that is going to be always around. In order to experience it again and again you must be relentless and in love. seej refuge with this poem of Molana:

Why is Love murderous from the first, so that he who is an outsider runs away?

This is how I learned Art. Putting up with the harshness, is a lesson you have to learn side by side of Art and know that in order to be in love, you will pay a price as big as being in love.

Young colleague!

Work, work, work, is my biggest suggestion for you. Awareness, is the first condition in this hard path and will make an Iranian artist from you that the world will envy.

Hoping for that day.

